



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
سال نهم / شماره سی‌وسوم / بهار ۱۳۹۹

خود کنترلی، سواد مالی و بیش بدهی مصرف کنندگان (مطالعه موردی کارکنان مجتمع صنایع لاستیک یزد)

محمود معین الدین

دانشیار، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران (نویسنده طرف مکاتبه)
Mahmoudmoein@iauyazd.ac.ir

مصطفی کاظمی علی آباد

کارشناس ارشد، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران
M_kazemi2008@yahoo.com

فروغ حیرانی

استادیار، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران
Heyrani@iauyazd.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۱۸

چکیده

این پژوهش به منظور سنجش سطح سواد مالی کارگران و بررسی تاثیر مشخصات دموگرافیک (جمعیت شناختی) بر سطح سواد مالی و نیز تعیین تاثیر سواد مالی و خود کنترلی بر بیش بدهی آنها طراحی و اجرا شده است. جامعه آماری این پژوهش پرسنل شرکت مجتمع صنایع لاستیک یزد و روش نمونه گیری، تصادفی ساده با استفاده از فرمول کوکران بوده و نمونه مورد نظر شامل ۱۷۰ نفر از پرسنل این شرکت می باشد که پس از توزیع پرسشنامه ها و مراجعات و پیگیری های مکرر محقق، تعداد ۱۰۷ عدد پرسشنامه قابل قبول جمع آوری گردید. این پژوهش متشکل از سه فرضیه اصلی است که با استفاده از آزمون t برای دو نمونه مستقل و آنالیز واریانس یکطرفه و رگرسیون چند متغیره آزمون شده اند. در بررسی فرضیه های مختلف نتایج بیانگر آن است که کارگران در مجموع از نظر مالی کم سواد هستند اما در برخی از حوزه های زیر گروه سواد مالی که شامل کسب و پس انداز، خرج و استقراض، بیمه و بازنشستگی می باشد با سواد هستند. همچنین تاثیر خودکنترلی بر بیش بدهی مصرف کنندگان منفی یا معکوس می باشد. از منظر مالی نیز سواد مالی دارای تاثیر منفی بر بیش بدهی و تاثیر مثبت بر خودکنترلی افراد نمونه مورد بررسی است.

واژه های کلیدی: سواد مالی، خود کنترلی، بیش بدهی مصرف کنندگان، ویژگی جمعیت شناختی.

۱- مقدمه

امروزه به لحاظ پیچیدگی محیط‌های تجاری جدید و تنوع خدمات و محصولات ارائه شده توسط موسسات اعتباری، کسب رفاه مالی، مستلزم درک مناسب مباحث و مسائل مالی است. این نیاز از مدت‌ها قبل در اغلب جوامع مدرن درک شده است و از سالهای اولیه دهه ۹۰ میلادی تحت عناوینی نظیر سواد مالی و مالیه شخصی مطرح گردیده و با گذشت زمان به اهمیت آن افزوده شده است به گونه‌ای که امروز مفاهیم مرتبط با آن در کشورهای نظیر آمریکا و انگلستان به عنوان بخشی از سرفصل دروس دبیرستانها و رشته‌های مختلف دانشگاهی تلقی می‌گردد، در این کشورها بنیادهای غیر انتفاعی متعددی وظیفه توسعه سواد مالی را عهده دار بوده و با انجام آزمونهای متعدد به اندازه‌گیری پیشرفت سواد مالی در کشور خود می‌پردازند. بنابراین می‌توان اذعان نمود داشتن سواد مالی یک مبنای ضروری برای پیشگیری و حل مسائل مالی است و به نوبه خود برای داشتن زندگی موفقیت آمیز، سالم و شاداب، حیاتی است (معین‌الدین، ۱۳۹۰).

سواد مالی توسط بنیاد مالی تحقیق در آموزش انگلستان به عنوان توانایی قضاوت آگاهانه و تصمیم‌گیری موثر در استفاده از منابع پولی و مدیریت آن تعریف شده است (نکتور، استونی و استرادیگ^۱، ۱۹۹۲). پس از طرح این مفهوم، سواد مالی تبدیل به یک موضوع تحقیقاتی بسیار مهم شد. این موضوع ابتدا توسط محققین زیادی در کشورهای انگلستان (شاگن و لینز^۲، ۱۹۹۶) و آمریکا (مندل^۳، ۱۹۹۷؛ هادلستان، کاساس، دنز و بویس^۴، ۱۹۹۹؛ هیلگرت، هوگارت و بورلی^۵، ۲۰۰۳؛ چن و ولپ^۶، ۱۹۹۸) مطالعه و بررسی شد و پس از آن در کشورهای زیاد دیگری در اقصی نقاط جهان از جمله استرالیا، آلمان، ایتالیا، هلند، پرتغال، مالزی و هنگ کنگ مورد توجه قرار گرفت. تایید این ادعا تعداد زیاد مطالعات در زمینه سواد مالی و اجرای برنامه‌های آموزشی در این خصوص و امکان دسترسی روز افزون به اطلاعات مالی می‌باشد. از جمله مفاهیم دیگری که به آن در رابطه با کار افراد بررسی شده است خودکنترلی (خود نظارتی) است. خودکنترلی اولین بار در سال ۱۹۷۴ توسط اشنايدر^۷ گسترش یافت، به این معنی است که یک شخص در موقعیت خود چه قدر انعطاف پذیر یا چه قدر پایدار است (کاشال و کوانتس^۸، ۲۰۰۶).

عدم خود کنترلی و نبود سواد مالی دارای ارتباط مثبت با عدم پرداخت و اعتبار مصرف کنندگان و آمار مالی می‌باشد. مصرف کنندگانی که دارای مشکلات خود کنترلی هستند، بیشتر از موارد دسترسی سریع اما پرهزینه اعتباری مثل کارت های فروشگاه‌ها و وام های روزانه جهت خرید محصولات اعتباری استفاده می‌کنند. همچنین مصرف کنندگانی که دارای مشکلات خود کنترلی هستند از شوک های درآمدی-افت اعتبار و هزینه‌های غیرقابل پیش بینی اقلام بادوام رنج می‌برند و این مطلب بیان می‌کند که نبود خود کنترلی، معرض قرارگرفتن در برابر خطرهای مختلف از قبیل افزایش بیش از حد بدهی و در نهایت ورشکستگی می‌انجامد. بنابراین با توجه به موارد فوق و اهمیت فزاینده مباحث مرتبط با سواد مالی و تاثیر شگرف آن بر رفاه مالی افراد و خانواده‌ها، به نقش نبود خود کنترلی در مقایسه با دانش مالی در بررسی بدهی مصرف کنندگان پی برده و از طرفی در این تحقیق چگونگی ارتباط سواد مالی و خود کنترلی با بدهی بیش از اندازه مصرف کنندگان که این

بدهی ناشی از تهیه محصولات اعتباری است مورد بررسی قرار می گیرد. در مجموع پرسش اصلی این پژوهش این است که آیا رابطه ای بین خودکنترلی و سواد مالی و بیش بدهی مصرف کنندگان وجود دارد؟

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- سواد مالی

سواد مالی شامل مجموعه مهارت‌ها و ادراک‌های لازم جهت مواجهه با مسائل مالی روزمره و موجود در اقتصاد عمومی است که کاربرد صحیح مهارت‌های آن سبب دستیابی افراد به رفاه مالی بلند مدت می‌شود. امروزه با توجه به پیچیدگی بازارهای مالی، توسعه و گسترش دامنه فعالیت نهادها و موسسات مالی و تلاش بی‌وقفه آن‌ها برای افزایش سهم بازار، لزوم تسلط به سواد مالی اهمیت بیشتری یافته است. یک برنامه جامع مالی کیفیت زندگی را بالا برده و رضایت‌مندی افراد از زندگی را با کاهش تردید نسبت به نیازهای آتی و منابع مالی ارتقاء می‌بخشد. افراد در طول روز صدها تصمیم می‌گیرند. بیشتر این تصمیمات ساده بوده و پیامدهای کمی به دنبال دارند ولی بعضی از آن‌ها پیچیده بوده و اثر بلندمدت بر موقعیت فردی و مالی آن‌ها دارد (معین الدین، ۱۳۹۰).

همچنین بحث در خصوص موضوعات و مسائل مالی و پولی و برنامه‌ریزی و پاسخگویی به رویدادهای موثر بر تصمیمات مالی روزمره که در اقتصاد عمومی رخ می‌دهد نیز در قالب تعریف سواد مالی مطرح می‌شود (ویت و همکاران^۱، ۲۰۰۰). مفاهیم مرتبط با سواد مالی در منابع مکتوب تحت عنوان مالیه شخصی نیز مطرح شده است. برنامه‌ریزی مالیه شخصی فرآیند مدیریت منابع مالی به منظور دستیابی به رضایت‌مندی اقتصادی فردی است. این فرآیند برنامه‌ریزی به افراد برای کنترل موقعیت مالی شان کمک می‌کند. هر فرد، خانواده یا خانوار موقعیت مالی متفاوت و فعالیت اقتصادی خصوصی دارد، پس باید برای رسیدن به نیازهای اساسی و آرمان‌ها برنامه‌ریزی داشته باشد (معین الدین، ۱۳۹۰). برای تدوین یک برنامه‌ریزی مالیه شخصی خوب و اجرای موفق آن لازم است افراد با اجزای آن آشنا باشند. اجزای یک برنامه ریزی مالی شخصی مناسب عبارتند از: تحصیل (کسب منابع مالی)، پس انداز، سرمایه گذاری، استقراض، خرج کردن، بیمه (مدیریت ریسک)، بازنشستگی (کاپور و همکاران^۲، ۲۰۰۸).

۲-۲- خود کنترلی

از جمله مفاهیم دیگری که در رابطه با کار افراد بررسی شده است خودکنترلی (خود نظارتی) است. خودکنترلی اولین بار در سال ۱۹۷۴ توسط اشنایدر گسترش یافت، به این معنی است که یک شخص در موقعیت خود چه قدر انعطاف پذیر یا چه قدر پایدار است (کاشال و کوانتس^۱، ۲۰۰۶). اشنایدر می گوید: مردم در یک بحث کلی به دو دسته تقسیم می شوند: افراد با خودکنترلی بالا و افراد با خودکنترلی پایین که هر کدام ویژگی هایی دارند (به نقل از کجلدال^۲، ۲۰۰۳). برخی از افراد نسبت به موقعیت های اجتماعی حساس هستند و ظاهر خود، را متناسب با موقعیت رایج تنظیم می کنند، این افراد را با خودکنترلی بالا نامیده می شوند. در مقابل افرادی هستند با خودکنترلی پایین که تمایل دارند فکر و احساس خود را بیان نمایند، تا این که آن را متناسب با موقعیت

سازماندهی کنند (اشنایدر، ۱۹۷۴). چندین مطالعه اثر خودکنترلی را در محل کار بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که افراد دارای خودکنترلی بالا دارای کیفیت زندگی و سلامت رفتاری بالایی هستند (سویدمن و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۴). به علاوه مشکلات رفتاری کمتری در کارشان دارند این افراد بیشترین مهارت اجتماعی را دارند، بنابراین کارهایی مثل فروشنده‌گی و پست‌های مدیریت را انتخاب می‌کنند (دای و کیلدوف^{۱۴}، ۲۰۰۳).

۲-۳- بیش بدهی

بطور کلی تا بحال هیچ‌گونه تعرف استاندارد برای جهت بیش بدهی ارائه نشده و بر این اساس هیچ‌آمار استاندارد و هماهنگ شده‌ای از آن وجود ندارد (کمیسیون اروپا^{۱۵}، ۲۰۰۸). برای مثال در انگلستان تمرکز بر عقب افتادگی در پرداخت صورتحساب‌های منظم و مداوم می‌باشد (اکسرا^{۱۶}، ۲۰۰۴). در آلمان، بیش بدهی به عنوان یک وضعیتی تعریف شده است که درآمد خانوار "به رغم کاهش سطح زندگی، برای تضمین تمام تعهدات پرداخت در طول یک دوره طولانی" کافی نیست (هاس^{۱۷}، ۲۰۰۶). در مطالعه‌ای که برای کمیسیون اروپا جهت توسعه یک تعریف رایج برای بیش بدهی صورت گرفته است، معیارهای زیر را به کار گرفته‌اند:

- واحد اندازه‌گیری باید خانوار باشد، زیرا درآمد افراد می‌تواند از بین اعضای خانواده جمع شود.
- شاخص‌ها باید تمام تعهدات مالی خانواده‌ها را پوشش دهند - قرض گرفتن به منظور مسکن، اعتبار مصرف‌کننده، پرداخت صورتحساب‌های برق، اجاره و پرداخت وام مسکن و غیره.
- بیش بدهی به معنای عدم توانایی برای برآورده شدن هزینه‌های تکراری است و بنابراین باید به عنوان یک وضعیت مداوم، نه یک وضعیت موقت یا یکنواخت، دیده شود.
- حل یک مشکل با قرض بیشتر گرفتن امکانپذیر نباشد.
- برآورده کردن تعهدات یک خانواده، مستلزم آن است که هزینه‌هایش را بطور قابل توجهی کاهش دهد (یا راهی برای افزایش درآمد خود پیدا کند).

در این پژوهش جهت سنجش بیش بدهی افراد از پرسشنامه با ۱۱ سوال استفاده شده است (جان^{۱۸}، ۲۰۱۲).

۲-۴- سواد مالی، خودکنترلی و بیش بدهی

یکی از عوامل تاثیرگذار بر فعالیت‌های اقتصادی و زندگی معیشتی مردم جهان در سال‌های گذشته بروز بحران‌های اقتصادی کشورهای توسعه یافته بوده است. این بحران موجب بروز رکود اقتصادی در سایر کشورها شد. کاهش تقاضا، کاهش معاملات، افت شاخص بورس و کاهش سرمایه‌گذاری در جهان موجب شد تا درآمد مردم جهان کاهش یافته و به نوعی رفاه مالی آنها تهدید شود. در بررسی عوامل موثر بر کیفیت زندگی افراد، رفاه مالی و عدم نگرانی در خصوص امور مالی یکی از مهمترین فاکتورهای شناخته شده می‌باشد که در تحقیقات مختلف مورد توجه قرار گرفته است، تهدید درآمد مردم جهان در نتیجه بحران‌های اقتصادی موجب ایجاد نگرانی‌های اقتصادی و مادی از قبیل: گرانی در مورد سلامت فرزندان، بدهی‌ها، درآمدها، پیشرفت شغلی و آینده در مردم جهان شده است. این نگرانی‌ها سلامت روحی و جسمی افراد را تهدید کرده و بر عملکرد آنها در

محیط کار تاثیر منفی می گذارد (گود فر^{۱۹}، ۲۰۰۶). یکی از مواردی که می تواند بر رفاه مالی افراد تاثیر گذار باشد، سواد مالی آنان است. سواد مالی می تواند به عنوان یکی از عوامل موثر بر سطح رفاه مالی افراد و دوری از نگرانی های مالی آنان باشد. همچنین افزایش سواد مالی می تواند در افزایش درآمد افراد و کاهش نگرانی های مالی آنها موثر باشد (معین الدین، ۱۳۹۰).

محققان گزارش کرده اند که مسائل و مشکلات مالی و فشارهای اقتصادی که طبعاً بخشی از آن ناشی از عدم کفایت سواد مالی است می تواند با ناهنجاری های همچون: خصومت های خانوادگی ۲- رفتارهای تند و خشن والدین ۳- کاهش توان جوانان برای مقابله با مشکلات و مسائل روزمره زندگی ۴- افزایش رفتارهای نابهنجار در سطح جامعه ۵- اعتیاد به مشروبات الکلی ۶- بروز رفتارهای شرارت آمیز، رابطه داشته باشد (کانگر و الدر^{۲۰}، ۱۹۹۴). از طرفی خود کنترلی یعنی توانایی کنترل حالت های تکانشی، به وسیله منع خواسته های کوتاه مدت، فردی دارای خود کنترلی است که بتواند انگیزه ها و هیجانات آنی خود را مدیریت کند. خود کنترلی از جمله مفاهیم رشدی است که می تواند به عنوان هدفی در مسیر رشد افراد قرار گیرد و با اینکه با انتخاب طرق رشدی صحیح در افراد حاصل شود تا به افراد در مقابله با یک زندگی اجتماعی ایجاد راهکارها و برنامه ریزی های اجتماعی یاری رساند. چندین مطالعه اثر خود کنترلی را در محل کار بررسی کرده و به این نتیجه رسیده اند که افراد دارای خود کنترلی بالا دارای کیفیت زندگی و سلامت رفتاری بالایی هستند. به علاوه مشکلات رفتاری کمتری در کارشان دارند این افراد بیشترین مهارت اجتماعی را دارند (سویدمن و همکاران^{۲۱}، ۲۰۱۴). با توجه به مطالب پیش گفته به لحاظ نظری انتظار می رود افزایش سواد مالی افراد، از طریق فراگیری مهارت های مالی بتواند بر خود کنترلی و بیش بدهی آنها تاثیر داشته باشد، همچنین بهبود خود کنترلی می تواند مانعی مناسب در ایجاد بیش بدهی باشد. بررسی رابطه این متغیرها می تواند هدف پژوهش های علمی باشد که تحقیق حاضر نیز رسالت خود را تحقق این هدف قرار داده است.

۲-۵- پیشینه پژوهش

روحانی و زارع رواسان (۱۳۹۱) در پژوهش خود تحت عنوان "معیارهای ارزیابی هوش تجاری، ساختار و عوامل موثر در مدل ارزیابی هوش تجاری" به شناسایی عوامل و ارائه مدلی پیشنهادی جهت ارزیابی هوش تجاری پرداختند که سازمان ها را در ارتقاء تصمیم گیری یاری می رساند و با ارائه معیارها و عوامل ارزیابی سطح هوش، به سازمان ها در طراحی، خرید و پیاده سازی سیستم ها و نرم افزارها در راستای پشتیبانی تصمیم بهتر در تمامی سطوح کمک می نماید. جعفری و همکاران (۱۳۹۲) تاثیر هوش اخلاقی بر خود کنترلی رفتار دانش آموزان مورد بررسی قرار دادند. نتایج این بررسی نشان داد که با توجه به نقش خود کنترلی بر رفتار شایسته و مسوولانه کودکان و همچنین اثر بخشی هوش اخلاقی بر میزان خود کنترلی درونی دانش آموزان، توصیه می شود معلمان با آموزش صفات هوش اخلاقی زمینه ارتقاء خود کنترلی درونی کودکان را افزایش دهند. نتایج پژوهش سلیمی پور (۱۳۹۲) در بررسی سواد مالی دانش آموزان در مقطع متوسطه استان یزد نشان دهنده عدم

کفایت سواد مالی دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان می‌باشد و هیچکدام از متغیرهای جمعیت شناختی به جز رشته تحصیلی بر سواد مالی جامعه مورد آزمون اثری ندارد.

نتایج پژوهش صمصامی (۱۳۹۳) در بررسی سواد مالی و مشارکت سهامداران حقیقی در بازار سهام استان یزد، نشان دهنده کفایت سواد مالی سهامداران می‌باشد و هیچ کدام از متغیرهای جمعیت شناختی بجز سطح تحصیلات، دانشکده تحصیلی و رشته تحصیلی بر سواد مالی جامعه مورد آزمون اثری ندارد، اما سواد مالی بر تجارب دوران کودکی، تنوع سرمایه‌گذاری، تنوع پورتنفوی سهام و زمینه سرمایه‌گذاری اثر دارد. شهابی زاده و آرن پور (۱۳۹۳) در پژوهش خود رابطه سبک‌های اسنادی و خودکنترلی با هوش معنوی در دانشجویان را بررسی نمودند. یافته‌های آن‌ها نشان دادند که سبک اسناد بیرونی و کلی موفقیت و خودکنترلی پیش‌بینی‌کننده افزایش هوش معنوی می‌باشند، که بیشترین سهم مربوط به خودکنترلی می‌باشد. نایب زاده و گنجویی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی سواد مالی پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌های کشور علاوه بر جوانی، به عنوان قشر تحصیلکرده و سرمایه‌های انسانی بالفعل و بالقوه جامعه، نقش زیادی در پیشرفت کشور دارند.

دیانتی و حنیفه زاده (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی سطح سواد مالی خانواده‌های تهرانی و عوامل مرتبط با آن پرداختند. نتایج بدست آمده حاکی از این است که وضعیت سواد مالی این افراد در حد مطلوبی نیست. همچنین عواملی چون سن، جنسیت، میزان تحصیلات، میزان درآمد، رشته تحصیلی، انباشت سرمایه و محل سکونت نیز مورد بررسی قرار دادند و وجود ارتباط بین آنها و سواد مالی تأیید شده است. نتایج پژوهش مرادی و ایزدی (۱۳۹۴) در بررسی "تاثیر سواد مالی سرمایه‌گذاران بر تصمیم‌گیری در اوراق بهادار" نشان داد که عواملی همچون ذهنیات فردی، اطلاعات حسابداری، اطلاعات اقتصادی و نیازهای مالی شخصی به عنوان عوامل موثر بر تصمیم سرمایه‌گذاری بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران در ایران تأثیر دارند. همچنین نتایج آن‌ها نشان داد که بین سطح سواد مالی و این عوامل رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. هراتیان و پیری (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان "اثر ابعاد سواد مالی بر سرمایه‌گذاری در بورس" بیان داشته‌اند که سواد مالی دارای چهار بعد دانش، نگرش، تمایل و رفتار می‌باشد که همه آن‌ها اثر مستقیمی بر سرمایه‌گذاری افراد در بورس اوراق بهادار دارند. همچنین بیان داشته‌اند که این ابعاد به شکل مستقیم و غیر مستقیم می‌توانند بر یکدیگر تأثیر گذاشته و منجر به تقویت یا تضعیف یکدیگر در سرمایه‌گذاری، تشکیل سبد و خرید سهام گردند.

شیرازیان (۱۳۹۷) در پژوهش خود به بررسی نقش سواد مالی و مدیریت پول بر مدیریت مالی شخصی سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. داده‌ها با استفاده از روش آماری حداقل مربعات جزئی و نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس تحلیل شدند. یافته‌های این مطالعه مؤید تأثیر مثبت و معنادار سواد مالی و مدیریت پول و مؤلفه‌هایشان بر مدیریت مالی شخصی سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. شواهد هیچ تأثیر غیرمستقیمی را نشان نداد چرا که در نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس تأثیرها به دو بخش مستقیم و غیرمستقیم تفکیک می‌شوند. هانا و همکاران^{۲۲} (۲۰۱۰) در پژوهش خود به بررسی رابطه دانشکده تحصیلی دانشجویان و سواد مالی آن‌ها پرداختند. نتیجه اصلی پژوهش نشان داد به طور کلی سواد مالی دانشجویان در سطح تمام

دانشکده‌های مورد بررسی ضعیف بود اما تفاوت معنی‌دار بین میزان سواد مالی دانشجویان دانشکده‌های مختلف وجود داشت. روجی و همکاران^{۲۳} (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای با عنوان "سواد مالی و مشارکت در بازار سهام"، دو مدل خاص، برای اندازه‌گیری سواد مالی و مطالعه ارتباط آن با مشارکت در بورس، بوسیله نظرسنجی از خانوارها ارائه نمودند. آنها دریافتند که سواد مالی، تصمیم سرمایه‌گذاری مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و عدم درک اقتصادی و امور مالی یک عامل بازدارنده برای مالکیت سهام است.

السی و همکاران^{۲۴} (۲۰۱۱) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین سواد مالی و برنامه‌ریزی طرح‌های بازنشستگی در هلند پرداختند. آنها برای اندازه‌گیری سواد مالی افراد و ارزیابی طرح‌های بازنشستگی از یک پرسشنامه جامع استفاده نمودند. نتایج اصلی مدل رگرسیونی نشان داد بین دانش مالی افراد و برنامه‌ریزی آنها برای طرح‌های بازنشستگی رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد یعنی افرادی که دانش مالی بیشتری دارند با احتمال بیشتری برای بازنشستگی برنامه‌ریزی کرده‌اند. از جمله نتایج دیگر این پژوهش می‌توان به این موضوع اشاره کرد که تعداد زیادی از هلندی‌ها برنامه‌ای مشخص و کافی برای بازنشستگی ندارند.

سانگ هی سون و همکاران^{۲۵} (۲۰۱۲) با آزمودن روابط بین عوامل اجتماعی مالی، تجربیات مالی، نگرش پول و ویژگی‌های جمعیت شناختی با سواد مالی نوجوانان کره ای نشان دادند افرادی که رسانه‌ها را به عنوان عامل اجتماعی مالی اصلی خود انتخاب کرده‌اند و کسانی که حساب بانکی داشته‌اند، سطوح بالاتری از سواد مالی را به نمایش گذاشته‌اند. کیم و گارمن^{۲۶} (۲۰۱۳) تحقیقی را با هدف بررسی رابطه میان نگرانی مالی و میزان غیبت کارکنان انجام داده‌اند، نتیجه تحقیق آنها نشان داد که نگرانی مالی بر تعهد سازمانی کارکنان تأثیر منفی داشته و موجب غیبت بیشتر کارکنان شده است. نتایج پژوهش پروزین اسکی و میهال کوا^{۲۷} (۲۰۱۴) در بررسی سواد مالی دانشجویان دانشگاه اسلواکی، نشان داد که سطح سواد مالی دانشجویان متوسط به بالا است و با توجه به این ارزیابی ثابت کرد که دانشجویان باید برای راهبرد فعلی اتحادیه اروپا و شناسایی یک چشم انداز برای دهه آینده بر اساس نیروی محرک رشد اقتصادی کوشش نمایند.

ولاستا و همکاران^{۲۸} (۲۰۱۵) با آزمون اثر سواد مالی بر رفتار بدهی مصرف کنندگان مالی، به بررسی منابع رفتاری مختلف بدهی در ارتباط با سواد مالی پرداختند. تجزیه و تحلیل خوشه‌ای به منظور طبقه بندی سواد مالی و تعیین اینکه آیا سواد مالی متقاضی در ارتباط با جنس و سطح درآمد متفاوت است یا خیر استفاده نمودند. در نهایت، منبع تفاوت در رفتار بدهی را بر اساس سطوح مختلف سواد مالی را بررسی نمودند. نتایج نشان می‌دهد که پاسخ دهندگان به دلیل سطوح مختلف سواد مالی، رفتار بدهی‌های مختلف را نشان می‌دهند. علاوه بر این، میزان درآمد خانوار یکبار مصرف در هر خانوار به لحاظ آماری با توجه به سطوح مختلف سواد مالی، ناچیز است، در حالی که چنین مقادیری در مقایسه با جنس پاسخ دهندگان به طور قابل توجهی متفاوت بود. گیولیا^{۲۹} (۲۰۱۶) به بررسی تأثیر سواد مالی بر بیش بدهی خانواده‌های پرتغالی پرداخت. این کار با همکاری انجمن مصرف کنندگان پرتغال DECO انجام شد که پشتیبانی و دانش خانواده‌های بیش بدهی را فراهم می‌کند. نتایج نشان داد که سوال مالی تأثیر با اهمیتی بر احتمال بیش بده بودن دارد. همچنین وی دریافت که پیاده سازی انواع گوناگونی از آموزش بر مبنای سطح آموزش و پرورش می‌اواند مربوط تلقی گردد. سلدا^{۳۰}

(۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان "ارتباط فعالیت‌های مدیریت مالی با سواد مالی: شواهدی از ترکیه" اهمیت سواد مالی را در چهار شیوه مدیریت مالی: پس‌انداز، وام و قرض غیر سرمایه‌گذاری، مقایسه خدمات مالی قبل از خرید و دنبال کردن روند‌های مالی - در یک مدل واحد بررسی کرد. نتایج نشان داد که متغیرهای توضیحی به غیر از وام غیرسرمایه‌گذاری با سواد مالی مرتبط هستند. همچنین یافته‌ها اهمیت سواد مالی را به عنوان یک ورودی برای موفقیت مالی و نتایج مطلوب مالی برجسته نمود.

۳- روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ شیوه اجرا نیز یک پژوهش توصیفی - همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه پرسنل شاغل در شرکت مجتمع صنایع لاستیک یزد می‌باشد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش روش تصادفی ساده با استفاده از فرمول کوکران است. با توجه به مشخص بودن حجم جامعه (۱۳۰۰ نفر) پس از محاسبه، نمونه مورد نظر ۱۷۰ نفر از پرسنل را شامل شد که پس از توزیع پرسشنامه‌ها و مراجعات و پیگیری‌های مکرر محقق، تعداد ۱۰۷ عدد پرسشنامه قابل قبول جمع‌آوری گردید. روش گردآوری اطلاعات مربوط به ادبیات تحقیق، روش کتابخانه‌ای می‌باشد. برای این منظور ادبیات پژوهش از کتب و مجلات تخصصی فارسی و لاتین و مقالات استخراج شده از اینترنت، گردآوری شده است. داده‌های مورد نیاز جهت تحلیل فرضیه‌ها نیز از طریق پرسشنامه‌های استاندارد جمع‌آوری شده است.

پرسشنامه مرتبط با این تحقیق شامل ۴ بخش است که در راستای رسیدن به اهداف تحقیق تنظیم شده است. بخش اول شامل اطلاعات جمعیت‌شناختی می‌باشد بخش دوم مربوط به سوالات سواد مالی در حوزه کسب درآمد، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری - خرج و استقراض - بیمه و بازنشستگی می‌باشد که به اندازه‌گیری سطح سواد مالی می‌پردازد. در بخش سوم و چهارم سوالات به بررسی و اندازه‌گیری خودکنترلی و بیش‌بدهی مصرف‌کنندگان پرداخته می‌شود. پرسشنامه‌های مورد استفاده در پژوهش استاندارد بوده و در پژوهش‌های بین‌المللی و داخلی مورد استفاده قرار گرفته است از آنجایی که سوالات مربوط به سواد دارای پاسخ‌های قطعی و از نوع چهارگزینه‌ای بوده و به سنجش افکار و عقاید افراد نپرداخته و فقط دارای یک پاسخ صحیح می‌باشد لذا سنجش پایایی این پرسشنامه امکان‌پذیر نمی‌باشد و در خصوص روایی آن نیز می‌توان اظهار نمود پرسشنامه مورد نظر بومی، استاندارد و مستخرج از مقالات معتبر می‌باشد و دارای روایی لازم می‌باشد. در خصوص سایر پرسشنامه‌ها جهت اطمینان از روایی از نظرات خبرگان مالی استفاده شده و نیز با انجام آزمون آلفای کرونباخ از پایایی آنها اطمینان منطقی حاصل شده است. مقدار آلفای کرونباخ بدست آمده برای پرسشنامه‌های مزبور در جدول ۱ نشان داده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از آزمون t تک نمونه مستقل، t دو نمونه مستقل، آنالیز واریانس یکطرفه و رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است.

جدول ۱- ضرایب آلفای کرونباخ

متغیرها	تعداد سؤالات (معیارها)	آلفای کرونباخ
خود کنترلی	سؤالات ۲۶ تا ۲۸	۰,۷۹۰
بیش بدهی	سؤالات ۲۹ تا ۳۹	۰,۷۸۹

۴- فرضیه های پژوهش

با توجه به مبانی نظری پیش گفته، از آنجایی که سواد مالی به آن بخش از دانسته های مالی اطلاق می گردد که اقشار مختلف جامعه برای گذران معیشت و کنترل اقتصاد خانواده های خود به آن نیاز دارند، بنابراین تمام افراد جامعه فارغ از نوع شغل، سطح سواد و نیازمند فراگیری سواد مالی هستند و درک این مطلب که آیا مصرف کنندگان دارای سواد مالی کافی هستند مورد نظر بسیاری از تحقیقات از جمله لوساردی و همکاران^{۳۱} (۲۰۱۰)؛ صبری^{۳۲} و همکارانش (۲۰۱۰)؛ هیدیوس و کوزاکی (۲۰۱۰) و کورچان^{۳۳} و همکارانش (۲۰۰۸) بوده است. در این راستا سنجش سواد مالی کارگران به عنوان یکی از اقشار بسیار بزرگ جامعه مد نظر تحقیقات داخلی نبوده و تحقیق حاضر رسالت فرضیه اصلی اول خود را اندازه گیری کفایت سواد مالی این قشر از جامعه ایرانی قرار داده است. بنابراین می توان فرضیه اصلی اول را به شکل زیر مطرح نمود:

فرضیه اصلی اول: مصرف کنندگان از نظر مالی باسواد هستند.

تحقیقات متعددی در حوزه سواد مالی برای درک اثر ویژگی های جمعیت شناختی بر سطح سواد مالی انجام شده است. از جمله این تحقیقات می توان به برد^{۳۴} (۲۰۰۸)؛ لوساردی و همکاران (۲۰۱۰)؛ صبری و همکارانش (۲۰۱۰)؛ اشاره نمود. بدیهی است با درک اثر تفاوت های جمعیت شناختی بر سطح سواد مالی اقشار مختلف جامعه و شناخت بخش ها و گروه های جمعیتی آسیب پذیر تر که از سواد مالی کمتری برخوردارند و تمرکز بیشتر بر آموزش این گروه ها، می توان خدمت قابل توجهی به جامعه نمود. با توجه به این مطلب می توان فرضیه اصلی دوم پژوهش را به شکل زیر مطرح نمود:

فرضیه اصلی دوم: متغیرهای جمعیت شناختی مصرف کنندگان بر سواد مالی آنها تاثیر دارد.

با بحث پیرامون اجزای برنامه ریزی مالیه شخصی و نیز در نظر گرفتن ویژگی های جمعیت شناختی هر شخص می توان فرضیه اصلی دوم پژوهش را در قالب فرضیه های فرعی زیر مطرح نمود:

فرضیه فرعی اول: سن مصرف کنندگان بر سواد مالی آنها تاثیر دارد.

فرضیه فرعی دوم: جنسیت مصرف کنندگان بر سواد مالی آنها تاثیر دارد.

فرضیه فرعی سوم: وضعیت تاهل مصرف کنندگان بر سواد مالی آنها تاثیر دارد.

فرضیه فرعی چهارم: میزان تحصیلات مصرف کنندگان بر سواد مالی آنها تاثیر دارد.

فرضیه فرعی پنجم: سطح درآمد ماهیانه خانوار مصرف کنندگان بر سواد مالی آنها تاثیر دارد.

فرضیه فرعی ششم: میزان تحصیلات پدر مصرف‌کنندگان بر سواد مالی آنها تاثیر دارد.
 فرضیه فرعی هفتم: میزان تحصیلات مادر مصرف‌کنندگان بر سواد مالی آنها تاثیر دارد.
 با در نظر گرفتن بحث سواد مالی می‌توان مطرح نمود:
 فرضیه اصلی سوم: سواد مالی مصرف‌کنندگان بر خود کنترلی آنها تاثیر دارد.
 با در نظر گرفتن مبانی نظری پیرامون سواد مالی و نیز ویژگی خود کنترلی می‌توان مطرح نمود:
 فرضیه اصلی چهارم: سواد مالی مصرف‌کنندگان بر بیش بدهی آنها تاثیر دارد.
 فرضیه اصلی پنجم: خود کنترلی مصرف‌کنندگان بر بیش بدهی آنها تاثیر دارد.

۵- یافته‌های پژوهش

ابتدا به بررسی چگونگی توزیع نمونه آماری از حیث متغیرهایی چون جنسیت، وضعیت تاهل، سن، میزان تحصیلات، سطح تحصیلات پدر و مادر و درآمد ماهیانه پرداخته شده است.

جدول ۲- آمار توصیفی

متغیر	گروه	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۹۳	۸۶,۹
	زن	۱۴	۱۳,۱
وضعیت تاهل	مجرد	۱۵	۱۴
	متاهل	۹۲	۸۶
سن	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	۲۸	۲۶,۲
	بین ۳۱ تا ۴۰ سال	۲۹	۲۷,۱
	بالتر از ۴۰ سال	۵۰	۴۶,۷
سطح تحصیلات	زیر دیپلم	۱۹	۱۷,۸
	دیپلم و فوق دیپلم	۴۵	۴۲,۱
	کارشناسی	۳۵	۳۲,۷
	کارشناسی ارشد	۸	۷,۵
سطح تحصیلات پدر	زیر دیپلم	۸۶	۸۰,۴
	دیپلم و فوق دیپلم	۱۷	۱۵,۹
	کارشناسی	۴	۳,۷
سطح تحصیلات مادر	زیر دیپلم	۹۲	۸۶
	دیپلم و فوق دیپلم	۱۴	۱۳,۱
	کارشناسی	۱	۰,۹
درآمد ماهیانه	کمتر از یک میلیون تومان	۱۹	۱۷,۸

متغیر	گروه	فراوانی	درصد
	از ۱ میلیون تا ۱/۵ میلیون تومان	۵۳	۴۹,۵
	از ۱/۵ میلیون تا ۲ میلیون تومان	۲۴	۲۲,۴
	از ۲ میلیون تا ۳ میلیون تومان	۵	۴,۷
	بیشتر از ۳ میلیون تومان	۶	۵,۶

پیش از پرداختن به آزمون فرضیه های پژوهش، ابتدا نرمال بودن متغیر های وابسته و مستقل با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف انجام پذیرفت که بر اساس نتایج حاصل، آزمون های مناسب برای بررسی صحت و سقم فرضیه ها انتخاب شده اند. با توجه به نتایج این آزمون چون مقدار سطح معنی داری برای تمام مؤلفه ها بزرگتر از مقدار خطا ۰,۰۵ است در نتیجه این متغیرها دارای توزیع نرمال هستند.

۵-۱- آزمون فرضیات و تجزیه و تحلیل نتایج

• فرضیه اصلی اول

این فرضیه به منظور بررسی کفایت سواد مالی مصرف کنندگان مطرح و با استفاده از تکنیک آماری مقایسه میانگین تجزیه و تحلیل شده است. همان گونه که از اطلاعات ارائه شده در جدول ۳ مشهود است، سطح معنی داری (sig) در سطح کل سواد مالی بزرگتر از ۰,۰۵ است. بنابراین می توان بیان نمود سواد مالی مصرف کنندگان کافی نیست یا به عبارتی مصرف کنندگان از نظر مالی کم سواد هستند. اما حوزه های کسب و پس انداز، خرج و استقراض و بیمه و بازنشستگی دارای سطح معنی داری کوچکتر از ۰,۰۵ است و بنابراین می توان بیان نمود سواد مالی مصرف کنندگان کافی در حوزه های زیرگروه سواد مالی کافی است یا به عبارتی مصرف کنندگان در حوزه های کسب و پس انداز، خرج و استقراض و بیمه و بازنشستگی باسواد هستند.

جدول ۳- نتایج آزمون مقایسه میانگین ها

شرح	سواد کل	کسب و پس انداز	خرج و استقراض	بیمه و بازنشستگی
آماره t	-۵۳۷	-۲,۳۱۰	-۳,۸۰۶	۸,۸۵۴
Df	۱۰۶	۱۰۶	۱۰۶	۱۰۶
سطح معنی داری (sig)	۰,۵۹۳	۰,۰۲۳	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰

• فرضیه اصلی دوم

فرضیه اصلی دوم در خصوص تأثیر ویژگی های دموگرافیک منتخب بر سطح سواد مالی مصرف کنندگان مطرح و آزمون شده است. جدول ۴ خلاصه نتایج هر یک از فرضیه های فرعی از فرضیه اصلی دوم را نشان می دهد.

جدول ۴ - خلاصه نتایج فرضیه‌های فرعی از فرضیه اصلی دوم

متغیر	آماره F			Df			سطح معنی‌داری (sig)			نتیجه		
	کسب و پس انداز	خرج و استقراض	بیمه و بازنشستگی	کسب و پس انداز	خرج و استقراض	بیمه و بازنشستگی	کسب و پس انداز	خرج و استقراض	بیمه و بازنشستگی	کسب و پس انداز	خرج و استقراض	بیمه و بازنشستگی
سن	۴,۹۷	۰,۱۶	۲,۲۷	۲	۲	۲	۰,۰۶۸	۰,۰۰۹	۰,۸۴	تایید	رد	رد
جنس	۱,۰۴	-۰,۱۹	-۱,۳۴	۱۰,۵	۱۰,۵	۱۰,۵	۰,۳۰۰	۰,۸۴	۰,۰۹۲	رد	رد	رد
تاهل	-۲,۱۷	-۱,۲۰	-۲,۶۴	۱۰,۵	۱۰,۵	۱۶,۱۱	۰,۰۳۲	۰,۲۳	۰,۰۱۸	تایید	رد	تایید
مقطع تحصیلی	۵,۴۱	۵,۰۲	۱,۰۳	۳	۳	۳	۰,۰۰۲	۰,۰۰۳	۰,۳۸	تایید	رد	تایید
سطح درآمد ماهانه خانوار	۶,۸۱	۲,۳۲	۱,۶۹	۵	۵	۵	۰	۰,۰۰۴	۰,۰۱۳	تایید	رد	تایید
سطح تحصیلات پدر	۱,۲۱	۰,۷۱	۱,۴۴	۴	۴	۴	۰,۳۰	۰,۵۸	۰,۲۱	رد	رد	رد
سطح تحصیلات مادر	۱,۰۴	۱,۸۰	۰,۴۶	۴	۴	۴	۰,۳۸	۰,۱۲	۰,۷۶	رد	رد	رد

همان گونه که از جدول ۴ مشهود است از بین متغیرهای جمعیت شناختی، تاثیر وضعیت تاهل، مقطع تحصیلی و سطح درآمد خانوار بر سطح سواد مالی نمونه مورد بررسی تایید گردیده است.

• فرضیه اصلی سوم

به منظور آزمون فرضیه فوق از روش رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. جدول زیر نشانگر نتایج حاصل از این تحلیل می باشد. با توجه به اینکه مقدار آماره دوربین واتسون در فاصله استاندارد ۱,۵ تا ۲,۵ قرار دارد، در نتیجه می توان استقلال باقیمانده ها را نتیجه گرفت.

مطابق با جدول ۵ ضریب تعیین تعدیل شده مدل ۰,۳۰ می‌باشد. بنابراین به طور متوسط ۳۰ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط این مدل تبیین می‌شود. با توجه به نتایج آزمون مدل احتمال مربوط به متغیرها، متغیر کسب و پس انداز دارای احتمال کمتر از ۰,۰۵ می باشد بنابراین این متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد در مدل معنی دار می باشد اما متغیرهای سواد خرج و استقراض و بیمه و بازنشستگی دارای احتمال بیشتر از ۰,۰۵ می باشد. بنابراین این متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد در مدل معنی دار نمی باشد. لذا با توجه به معناداری، متغیر سواد کسب و پس انداز از بین مولفه های سواد مالی که متغیر اصلی در تایید یا رد فرضیه می باشد می توان ادعا نمود متغیر سواد کسب و پس انداز بر خود کنترلی مصرف کنندگان تاثیر دارد. از طرفی علامت ضریب متغیر سواد کسب و پس انداز در مدل مثبت است این بدین معنی است که تاثیر سواد کسب و پس انداز بر خود کنترلی مصرف کنندگان مثبت یا مستقیم می باشد یعنی با افزایش میزان سواد کسب و پس

انداز میزان خود کنترلی مصرف کنندگان افزایش و با کاهش میزان سواد کسب و پس انداز میزان خود کنترلی مصرف کنندگان کاهش می یابد.

جدول ۵- نتایج فرضیه اصلی سوم

تاثیر مولفه های سواد مالی بر خود کنترلی مصرف کنندگان				
ضریب تعیین				
۰,۳۲				
ضریب تعیین تعدیل شده				
۰,۳۰				
آماره دوربین واتسون				
۱,۷۹۰				
آماره F				
۷,۱۴۵				
احتمال				
۰/۰۰۰				
متغیرها	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	
	B	Std. Error	Beta	آماره t
مقدار ثابت مدل	۸,۴۱۶	۰,۵۳۴		۱۵,۷۶۹
کسب و پس انداز	۲,۰۱۰	۰,۴۰۸	۰,۱۴۷	۵,۱۹۶
خرج و استقراض	۰,۰۰۴	۰,۰۰۸	۰,۰۶۷	۰,۵۹۰
بیمه و بازنشستگی	-۰,۰۱۰	۰,۰۰۷	-۰,۱۶۰	-۱,۴۲۲
احتمال (Sig)				

• فرضیه اصلی چهارم

به منظور آزمون فرضیه فوق از روش رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. جدول زیر نشانگر نتایج حاصل از این تحلیل می باشد. مقدار آماره دوربین واتسون بیانگر استقلال باقیمانده ها می باشد.

جدول ۶- نتایج فرضیه اصلی چهارم

تاثیر مولفه های سواد مالی بر بیش بدهی مصرف کنندگان				
ضریب تعیین				
۰,۲۹				
ضریب تعیین تعدیل شده				
۰,۲۷				
آماره دوربین واتسون				
۱,۸۳۶				
آماره F				
۹,۱۱۱				
احتمال				
۰				
متغیرها	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	
	B	Std. Error	Beta	آماره t
مقدار ثابت مدل	۱۲,۰۵۰	۲,۰۱۸		۵,۹۷۳
کسب و پس انداز	-۰,۰۱۶	۰,۰۳۱	-۰,۰۶۴	-۰,۵۱۰
خرج و استقراض	-۶,۰۰۴	۰,۰۳۱	-۰,۰۱۶	-۴,۱۲۷
بیمه و بازنشستگی	۰,۰۱۰	۰,۰۲۶	۰,۰۴۴	۰,۳۸۶
احتمال (Sig)				

مطابق با جدول ۶ ضریب تعیین تعدیل شده مدل به طور متوسط ۲۷ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط این مدل تبیین می‌شود. با توجه به نتایج آزمون مدل احتمال مربوط به متغیرها، متغیر سواد خرج و استقراض دارای احتمال کمتر از ۰,۰۱ می‌باشد بنابراین این متغیر در سطح اطمینان ۹۹ درصد در مدل معنی دار می‌باشد اما متغیرهای سواد کسب و پس‌انداز و بیمه و بازنشستگی دارای احتمال بیشتر از ۰,۰۵ می‌باشد بنابراین این متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد در مدل معنی دار نمی‌باشد لذا با توجه به معناداری، متغیر سواد خرج و استقراض از بین مولفه‌های سواد مالی که متغیر اصلی در تایید یا رد فرضیه می‌باشد می‌توان ادعا نمود متغیر خرج و استقراض بر بیش بدهی مصرف کنندگان تاثیر دارد. از طرفی علامت ضریب متغیر سواد خرج و استقراض در مدل منفی است این بدین معنی است که تاثیر سواد خرج و استقراض بر بیش بدهی مصرف کنندگان منفی یا معکوس می‌باشد یعنی با افزایش میزان سواد خرج و استقراض میزان بیش بدهی مصرف کنندگان کاهش و با کاهش میزان سواد خرج و استقراض میزان بیش بدهی مصرف کنندگان افزایش می‌یابد.

• فرضیه اصلی پنجم

به منظور آزمون فرضیه فوق از روش رگرسیون تک متغیره استفاده شده است. جدول زیر نشانگر نتایج حاصل از این تحلیل می‌باشد. مقدار آماره دوربین و اتسون بیانگر استقلال باقیمانده‌ها می‌باشد.

جدول ۷- نتایج فرضیه اصلی پنجم

تاثیر خودکنترلی بر بیش بدهی مصرف کنندگان				
		۰,۱۴		
	ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۱۲		
	آماره دوربین واتسون	۱,۹۱۰		
	آماره F	۴,۴۷۰		
	احتمال	*		
متغیرها	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب استاندارد	آماره t	
			Beta	Std. Error
مقدار ثابت مدل	۱۸,۵۱۲	۳,۰۳۴	۶,۱۰۲	۰,۰۰۰
خودکنترلی	-۰,۷۵۳	۰,۳۵۶	-۲,۱۱۴	۰,۰۳۷

با جدول ۷ ضریب تعیین تعدیل شده مدل ۰,۱۲ می‌باشد. بنابراین به طور متوسط ۱۲ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط این مدل تبیین می‌شود. با توجه به نتایج آزمون مدل احتمال مربوط به متغیرها، متغیر خودکنترلی دارای احتمال کمتر از ۰,۰۵ می‌باشد بنابراین این متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد در مدل معنی دار می‌باشد لذا با توجه به معناداری، متغیر خودکنترلی که متغیر اصلی در تایید یا رد فرضیه می‌باشد می‌توان ادعا نمود متغیر خودکنترلی بر بیش بدهی مصرف کنندگان تاثیر دارد. از طرفی علامت ضریب متغیر

خودکنترلی در مدل منفی است این بدین معنی است که تاثیر خودکنترلی بر بیش بدهی مصرف کنندگان منفی یا معکوس می باشد یعنی با افزایش میزان خودکنترلی میزان بیش بدهی مصرف کنندگان کاهش و با کاهش میزان خودکنترلی میزان بیش بدهی مصرف کنندگان افزایش می یابد.

۶- نتیجه گیری و بحث

در فرضیه اصلی اول این پژوهش در اجرای آزمون های آماری نمره کافی برای سواد مالی و اجزای سه گانه آن حداقل ۶۰ در نظر گرفته شده در حالیکه میانگین امتیاز سواد مالی مصرف کنندگان در حوزه های سه گانه کسب درآمد، پس انداز و سرمایه گذاری - خرج و استقراض - بیمه و بازنشستگی کافی بود اما امتیاز کلی سواد مالی مصرف کنندگان کافی نبود یا به عبارتی مصرف کنندگان از نظر مالی در کل کم سواد هستند. این نتیجه با یافته های فضلی صبری و همکاران^{۳۵} (۲۰۱۰)، هانا و همکاران^{۳۶} (۲۰۱۱) و معین الدین (۱۳۹۰) همسو می باشد ولی با یافته های پنگ و همکاران^{۳۷} (۲۰۰۷) و کوچو^{۳۸} (۲۰۱۰) همسوئی ندارد.

در خصوص فرضیه اصلی دوم می توان نتایج را بدین صورت تشریح نمود. سن مصرف کنندگان بر سواد مالی آن ها در حوزه کسب و پس انداز تاثیر دارد. اما سن مصرف کنندگان در حوزه خرج و استقراض، بیمه و بازنشستگی و سواد کل تفاوت آماری معنی دار وجود ندارد. این نتیجه با یافته های چن و ولپ^{۳۹} (۱۹۹۸)، کلرک و ونتر^{۴۰} (۲۰۰۹)، ابرئو و مندز^{۴۱} (۲۰۱۰)، کیندل^{۴۲} (۲۰۱۰)، معین الدین، کلانتری و همکاران (۱۳۹۱)، آزادی (۱۳۹۱) و دیانتی و حنیفه زاده (۱۳۹۴) تطابق داشته ولی با تحقیقات التیمی و بن کالی^{۴۳} (۲۰۰۹)، دوارک و هنلی^{۴۴} (۲۰۱۰)، بلیندا و مندیگما^{۴۵} (۲۰۱۳)، پنگ و همکاران (۲۰۰۷)، راحت دهمرده (۱۳۹۰) و یوسفی (۱۳۹۰) مطابقت ندارد. جنسیت مصرف کنندگان بر سطح سواد مالی آنها مؤثر نیست. در تمام حوزه ها میانگین سواد مالی مصرف کنندگان مرد با مصرف کنندگان زن تقریباً برابر می باشد. این یافته با نتایج پژوهشهای فضلی صبری و همکاران (۲۰۱۰)، بلیندا و مندیگما (۲۰۱۳)، کیندل (۲۰۱۰) و کلانتری (۱۳۹۱) تطابق داشته و با یافته های چن و ولپ (۱۹۹۸)، کلرک و ونتر (۲۰۰۹)، پنگ و همکاران (۲۰۰۷)، التیمی و بن کالی (۲۰۰۹)، دوارک و هنلی (۲۰۱۰)، ابرئو و مندز (۲۰۱۰)، معین الدین (۱۳۹۰)، آزادی (۱۳۹۱)، کلانتری و همکاران (۱۳۹۱)، راحت دهمرده (۱۳۹۰)، یوسفی (۱۳۹۰) و دیانتی و حنیفه زاده (۱۳۹۴) مطابقت ندارد. وضعیت تاهل مصرف کنندگان بر سطح سواد مالی آنها تأثیر دارد.

در آزمون بعمل آمده مصرف کنندگان متاهل امتیاز بالاتری نسبت به مصرف کنندگان مجرد کسب کردند. به نظر می رسد مسئولیت های زندگی مشترک و تا حدودی استقلال افراد متاهل آنها را به سمت کسب مهارت های مالی مورد نیاز برای گذراندن امور زندگی مشترک سوق می دهد و این امر سب ارتقای سواد مالی آنها می شود. این نتیجه با یافته های چن و ولپ (۱۹۹۸)، کلرک و ونتر (۲۰۰۹)، کلانتری و همکاران (۱۳۹۰)، معین الدین (۱۳۹۰)، کلانتری (۱۳۹۱) و کریمی (۱۳۹۲) مطابقت داشته ولی با تحقیقات ابرئو و مندز (۲۰۱۰)، بلندا و مندیگما (۲۰۱۳)، پنگ و همکاران (۲۰۰۷)، راحت دهمرده (۱۳۹۰) و صمصامی (۱۳۹۳) تطابق ندارد. سطح تحصیلی مصرف کنندگان بر سواد مالی آنها تأثیر معنی دار دارد. نتایج نشان داد سطح

تحصیلی مصرف کنندگان بر سطح سواد مالی آن‌ها در دو مقطع تحصیلی به جز در حوزه بیمه و بازنشستگی اثرگذار است به نحوی که مصرف کنندگان دارای مقاطع تحصیلات بالاتر از امتیاز سواد مالی بالاتری برخوردارند. این نتیجه با یافته‌های کیندل (۲۰۱۰)، فضلی صبری و همکاران (۲۰۱۰)، التیمی و بن کالی (۲۰۰۹)، دواراک و هنلی (۲۰۱۰)، ابرئو و مندز (۲۰۱۰)، چن و ولپ (۱۹۹۸)، معین‌الدین (۱۳۹۰)، آزادی (۱۳۹۱)، راحت‌دهم‌ده (۱۳۹۰)، کلاتتری و همکاران (۱۳۹۰)، کریمی (۱۳۹۲)، صمصامی (۱۳۹۳) و دیانتی و حنیفه‌زاده (۱۳۹۴) مطابقت دارد اما با یافته‌های یوسفی (۱۳۹۰) و کلاتتری (۱۳۹۱) همسوئی ندارد. سطح درآمد خانوار نیز جز متغیرهای مؤثر بر سواد مالی مصرف کنندگان بود.

نتایج نشان داد سطح درآمد ماهانه خانوار مصرف کنندگان بر سطح سواد مالی آن‌ها در تمام حوزه‌ها به جز بیمه و بازنشستگی تأثیر داشت. سواد مالی مصرف کنندگان که درآمد خانوار آن‌ها در طیف میانه درآمدی بود بیش از مصرف کنندگانی با درآمد خانوار زیاد بود. در واقع مصرف کنندگان که در سر طیف درآمدی بالا بودند از سطح سواد مالی کم‌تری برخوردار بودند. درک دلیل بروز این نتیجه نیازمند بررسی‌های بیشتر است که از حوزه این پژوهش خارج است. نتیجه حاصل از بررسی اثر متغیر درآمد خانوار بر سواد مالی که حاکی از تأثیرگذاری این متغیر بود. این نتیجه با یافته‌های التیمی و بن کالی (۲۰۰۹)، دواراک و هنلی (۲۰۱۰)، ابرئو و مندز (۲۰۱۰)، معین‌الدین (۱۳۹۰)، آزادی (۱۳۹۱) و دیانتی و حنیفه‌زاده (۱۳۹۴) مطابقت دارد اما با یافته‌های کریمی (۱۳۹۲) و صمصامی (۱۳۹۳) مطابقت ندارد. دو متغیر پایانی که اثر آن‌ها بر سواد مالی مصرف کنندگان تأیید نگردید سطح تحصیلات والدین بود. به عنوان یک نتیجه کلی می‌توان اذعان داشت تمام متغیرهای دموگرافیک مورد بررسی در این پژوهش (به جز سطح تحصیلات والدین) بر سطح سواد مالی جامعه مورد آزمون اثر داشت. این نتیجه با یافته‌های تحقیقات فضلی صبری و همکاران (۲۰۱۰)، معین‌الدین (۱۳۹۰)، راحت‌دهم‌ده (۱۳۹۰)، کریمی (۱۳۹۲) و صمصامی (۱۳۹۳) مطابقت دارد اما با یافته‌های تحقیقات کالج جامپ استارت^۱ (۲۰۰۸) و مورفی تطابق ندارد.

منطبق با فرضیه اصلی سوم می‌توان ادعا نمود متغیر سواد کسب و پس‌انداز بر خود کنترلی مصرف کنندگان تأثیر دارد. از طرفی علامت ضریب متغیر سواد کسب و پس‌انداز در مدل مثبت است این بدین معنی است که تأثیر سواد کسب و پس‌انداز بر خود کنترلی مصرف کنندگان مثبت یا مستقیم می‌باشد یعنی با افزایش میزان سواد کسب و پس‌انداز میزان خود کنترلی مصرف کنندگان افزایش و با کاهش میزان سواد کسب و پس‌انداز میزان خود کنترلی مصرف کنندگان کاهش می‌یابد. در فرضیه اصلی چهارم می‌توان ادعا نمود متغیر سواد خرج و استقراض بر بیش بدهی مصرف کنندگان تأثیر دارد. از طرفی علامت ضریب متغیر خرج و استقراض در مدل منفی است این بدین معنی است که تأثیر سواد خرج و استقراض بر بیش بدهی مصرف کنندگان منفی یا معکوس می‌باشد یعنی با افزایش میزان سواد خرج و استقراض میزان بیش بدهی مصرف کنندگان کاهش و با کاهش میزان سواد خرج و استقراض میزان بیش بدهی مصرف کنندگان افزایش می‌یابد. نتیجه فرضیه اصلی پنجم نشان داد متغیر خود کنترلی بر بیش بدهی مصرف کنندگان تأثیر دارد. از طرفی علامت ضریب متغیر خود کنترلی در مدل منفی است این بدین معنی است که تأثیر خود کنترلی بر بیش بدهی

مصرف کنندگان منفی یا معکوس می باشد یعنی با افزایش میزان خود کنترلی میزان بیش بدهی مصرف کنندگان کاهش و با کاهش میزان خود کنترلی میزان بیش بدهی مصرف کنندگان افزایش می یابد.

۶-۱- پیشنهادهای کاربردی

در پژوهش حاضر این نتیجه حاصل شد که مصرف کنندگان فاقد سواد مالی کافی می باشند از طرفی عدم خود کنترلی و سواد مالی ناکافی باعث پیدایش بیش بدهی در مصرف کنندگان گردیده است، حال با توجه به شرایط اقتصادی کشور از یک سو (حقوق کارگری زیر خط فقر) و وجود کالاهای لوکس و مصرفی در بازار از سوی دیگر و همچنین چشم و هم چشمی های موجود در جامعه بویژه در قشر جوان که موجب مقروض شدن مصرف کنندگان می گردد توجه به موضوع سواد مالی و خود کنترلی از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. برای ارتقاء سواد مالی و همچنین ایجاد احساس خود کنترلی پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می شود:

والدین: نقش والدین برای کودک و زندگی حال و آینده او بسیار مهم است. والدین دارای تأثیرات وراثتی و محیطی سرنوشت ساز برای کودک هستند، رفتارشان الگو و مدل است. بنا براین والدین می توانند ابتدا با بالا بردن سطح دانش خود در زمینه مالی و ایجاد حس خود کنترلی الگویی مناسب برای فرزندان باشند و از طرفی با دخالت دادن فرزندان در مباحث مالی، خرید کتاب، نرم افزارهای آموزشی و دیگر وسایل آموزشی مالی و ... از همان دوران کودکی برای بالا بردن سطح سواد مالی و بالا بردن حس خود کنترلی اقدام نمایند.

آموزش و پرورش: مدارس به عنوان خانه دوم کودکان و نوجوانان می تواند با گنجاندن سرفصل سواد مالی در کتب درسی دانش آموزان، آن ها را بصورت تکلیفی با مفاهیمی همچون سرمایه گذاری، مدیریت ریسک، پس انداز، استقراض، مدیریت نقدینگی و خود کنترلی آشنا کند و در بالا بردن درک دانش آموزان از مفاهیم مالی به شخصی بکوشد تا مدارس محلی برای ارتقاء سطح مهارت های مالی دانش آموزان تبدیل شود.

رسانه های جمعی: نقش بارز رسانه های شنیداری و دیداری در موثر بودن آموزش های مختلف به افراد جامعه بسیار واضح است، پس این رسانه ها باید به گونه ای مختلف از تبلیغات گرفته تا کتاب و فیلم و ... سعی در برجسته کردن موضوع سواد مالی و کنترل احساسات خود در مواجهه با خرید های روز مره (خود کنترلی) به عنوان موضوعی حیاتی برای رسیدن به رفاه بیشتر در زندگی اجتماعی و ارتقاء سطح آن در بین افراد جامعه داشته باشد.

متولیان برنامه ریزی: در کشور ما اغلب افراد پس از بازنشستگی بجای اینکه در دوره استراحت به سر برند و کمتر دغدغه بدهی و استقراض داشته باشند، شروع مشکلات آنهاست از اینرو دولت و در راس آنها نهادهای مرتبط با موضوعات امور مالی از جمله شرکتهای بیمه، بورس های منطقه ای اوراق بهادار، کارفرمایان و تشکلهای کارگری مثل خانه کارگر، شورا های اسلامی کار و سایر متولیان امور، نسبت به سرمایه گذاری در بیمه های عمر و پس انداز، سرمایه گذاری در سهام، آموزش های لازم را به افراد به ویژه اقشار آسیب پذیر از جمله کارگران ارائه نمایند، تا زمینه رشد آنها در زمینه مسائل مالی فراهم گردد.

فهرست منابع

- * جعفری ندوشن، علی و سایرین (۱۳۹۲). تاثیر هوش اخلاقی بر خود کنترلی رفتار دانش آموزان دختر مقطع پنجم ابتدایی شهرستان تفت در سال ۹۱-۹۲، ششمین کنگره روانپزشکی کودک و نوجوان، دانشگاه علوم پزشکی تبریز.
- * دیانتی دیلمی، زهرا و حنیفه زاده، محمد، (۱۳۹۴). سطح سواد مالی خانواده های تهرانی و عوامل مرتبط با آن، نشریه دانش مالی تحلیل اوراق بهادار (مطالعات مالی)، شماره بیست و ششم، ص ۱۱۵ تا ۱۳۹.
- * راحت دهمرده، رضا. (۱۳۹۰). بررسی سواد مالی کارآفرینان (مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان)، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد.
- * روحانی، سعید و زارع رواسان، احد. (۱۳۹۱). مدل ارزیابی سطح هوش تجاری در سیستم های سازمانی، سال اول، شماره ۲، زمستان ۹۱، ص ۹۰۱ تا ۹۲۹.
- * سلیمی پور ندوشن، مهدی. (۱۳۹۲). بررسی سواد مالی دانش آموزان مقطع متوسطه، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد.
- * شیرازیان، زهرا. (۱۳۹۷). بررسی نقش سواد مالی و مدیریت پول بر مدیریت مالی شخصی سرمایه گذاران بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، دوره ۱۱، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۷، صفحه ۱۴۵-۱۶۳.
- * صمصامی، محمود. (۱۳۹۳). سواد مالی و مشارکت در بازار سهام، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد.
- * مرادی، جواد، ایزدی، منصوره. (۱۳۹۴). بررسی تاثیر سواد مالی سرمایه گذاران بر تصمیم سرمایه گذاری در بورس اوراق بهادار، فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه گذاری، سال چهارم، شماره سیزدهم، ۱۴۹-۱۲۷.
- * معین الدین، محمود. (۱۳۹۰). ارزیابی و ارائه الگوی مناسب جهت سنجش سواد مالی دانشجویان ایرانی، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- * نایب زاده، شهناز و گنجویی، اسما اشرف. (۱۳۹۳). بررسی رابطه اعتقادات مذهبی و سواد مالی اسلامی در دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد، فصل نامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، سال هفتم، شماره بیست و سوم.
- * هراتیان، علی، پیری، محمد. (۱۳۹۶). اثر ابعاد سواد مالی بر سرمایه گذاری در بورس، اولین همایش حسابداری مدیریت و اقتصاد با رویکرد پویایی اقتصاد ملی، تهران، ۱۳۹۶.
- * یوسفی، زهرا. (۱۳۹۰). اندازه گیری سواد مالی سرمایه گذاران حقیقی بورس اوراق بهادار و بررسی ارتباط سواد مالی سرمایه گذاران با نوع پرتفوی و تصمیمات سرمایه گذاری آنها، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد.
- * Alessie, R., Van Rooij, M. & Lusardi, A. (2011). Financial Literacy, Retirement Preparation and Pension Expectations in the Netherlands, CeRP Working Papers, Center for Research on Pensions and Welfare Policies, Turin (Italy), March

- * Al-Tamimi, H. and Bin Kalli, A. (2009). Financial literacy and investment decisions of UAE investors, The Journal of Risk Finance, No. 5, pp. 500-516
- * Anil ,Kanwal, and Kapoor,Sujata. (2008). Relevance of Signaling and Smoothing Approaches to Dividend: A study of Indian IT Sector, Asia Pacific Business Review, Vol. IV (4):104-123.
- * Anil, Kanwal, and Kapoor,Sujata. (2008). Determinants of Dividend Payout ratios- A study of Indian Information Technology sector, International Research Journal Of Finance and Economics, Issue 15:63-71.
- * Anil, Kanwal, and Kapoor,Sujata. (2008). Relevance of Signalling and Smoothing approaches to dividend- A study of Indian FMCG sector, Business Perspectives, Vol.10(1):13-22.
- * Bird s. (2008). Financial literacy among university students”, An Australian case study, University of Wollongong , Available at:<http://ro.uow.edu.au/theses/112>.
- * Chen, H ; Volpe, R.p. (1998). An analysis of personal financial literacy among collage students, Financial Services , Vol. 7 No.2, PP.107-27.
- * Conger, R. D., Ge, X., Elder, G. H., Lorenz, F. O., & Simons, R. L. (1994). Economic stress, coercive family process, and developmental problems of adolescents. Child Development, 65, 541-561.
- * Danes, S. M., Huddleston-Cases, C., & Boyce, L. (1999). Financial planning curriculum for teens: Impact evaluation. Financial Counseling and Planning Education, 10 (1), 25-37.
- * Day, D. V & Kilduff, K. (2003). Self-monitoring personality and work relationships: individual difference in social network, In Barrick MR,Ryan AM(Eds), personality and work: reconsidering the role of personality in organizations (p. 205-228). San Francisco: JosseyBass
- * Dvorak, T., Hanley, H., (2010). Financial literacy and the design of retirement plans”, The Journal Of Socio-Economics 39, 645-652.
- * European Commission (2008) Towards a common operational European definition of over-indebtedness. European Commission. Brussels: European Commission.
- * Giulia Casagrande. (2016). The impact of Financial Literacy on over-indebted Portuguese Families. May 2016, <http://hdl.handle.net/10362/19286>.
- * Godfrey ,B , (2006). Small Islands versus Big Cities: Lessons in the Political Economy of Regional Development from the World’s Small Islands, The Journal of Technology Transfer
- * Haas, O.J. (2006) Over-indebtedness in Germany. Employment section, Social finance program working paper n° 44. International Labour Organization (ILO), Geneva.
- * Hanna M.E, Robert R. Hill, Grady Perdue. (2010). School of Study And Financial Literacy, Journal of Economics Education Reserch, vol 11, No 3, PP 29-38
- * Hilgert, M. A., Hogarth, J. M., & Beverly, S. G. (2003). Household financial management: The connection between knowledge and behavior. Federal Reserve Bulletin, 309-322.
- * John, G. (2012). Self-control, financial literacy and customer over- indebtedness, Journal of economic psychology, June 2012, 33(3): 590-602.
- * Kaushal, Ritu and T.Kwantes, Catherine. (2006). The role of culture and personality in choice of conflict management strategy. Internatinal Journal Relations, 30. pp579-603.
- * Kim j. , Garman E . T. (2013). Financial stress and absenteeism: An Empirically Derived Research Model, Financial Counseling and Planning, Volume 14, No1.
- * Kindel, P.A. (2010). Student Perceptions of Financial Literacy:Relevance to Practice, Journal of Social Service Research. 36:5, 470-481.
- * Kjeldal,Sue-Ellen. (2003). Self-Monitoring and Consumer Behavior, The Qualitative Report ,Volume 8 Number 3, PP 353-376.
- * L. A. Vitt, C. Anderson, J. Kent, D. M. Lyter, J. K. Siegenthaler and J. Ward, (2000). Personal Finance and the Rush to Competence: Financial Literacy Education in the U.S, Institute for SocioFinancial Studies, pp. 1-142.

- * Lusardi, A & Mitchell, O. S And Curto, V. (2010). Financial Literacy Among the Yuong, The Journal of Consumer Affairs, vol 44, No.2, PP358 – 380.
- * Mandell, L. (1997). Personal Financial Survey in High School Seniors, Jump Start Coalition For Personal Financial Literacy.
- * Michal Pruzinsky, and Bohuslava Mihalcova. (2014). Financial literacy of Slovak universities' students, Business Systems Review. ISSN: 2280-3866 Vol. 3(1).
- * Nector, T. M., Stong, S & Stradling, R. (1992). Financial literacy :A Discussion of concepts and competencies Financial Literacy and opportunities for its Introduction into young people's learning, report Prepared for the National Westminster Bank, National Foundation for Education Research, London
- * OXERA (2004) Are UK households over-indebted? Commissioned by the Association for Payment Clearing Services, British Bankers Association, Consumer Credit Association and the Finance and Leasing Association.
- * Peng, C.M., Bartholomue, S, Fox, J & Cravener, C. (2007). The Impact of Personal Finance Education Delivered in high school and College courses, Journal of family and Economic Issues, vol 28: 265 -284
- * Rooij, M. V., Lusardi, A. & Alessie, R. (2011). Financial Literacy and Stock Market Participation. Journal of Financial Economics, P: 3-28.
- * Sabri, M. F, Maurice mac Donald, Tahira & K. Itira – Jariuh Masud. (2010). Child hood consumer Scott, Robert, H. (2010). 'Credit Card Onership Among American High School Seniors, Journal of Family and Economic Issues, 31:151-160.
- * Schagen, S. and Lines, A. (1996). Financial Literacy in Adult Life: A Report to the NatWest Group Charitable Trust, Slough, Berkshire: National Foundation for Educational Research.
- * Selda Coşkuner. (2017). Linking Financial Management Practices To Financial Literacy: Evidence From Turkey, national Journal of Scientific & Engineering Research Volume 8, Issue 12, December-2017.
- * Snyder. (1974). Self-monitoring of expressive behavior, J, personal. Soc. Psycho. 30: 526-527.1974
- * Sohn, Sang-Hee; Joo, So-Hyun; Grable, John E.; Lee, Seonglim; Kim, Minjeung (2012). financial literacy: The role of financial socialization agents, financial experiences, and money attitudes in shaping financial literacy among South Korean youth, Journal of Adolescence, Vol.35(4):969-980.
- * Swendeman, D., Ramanathan, N., Comulada, W. S., Rotheram-Borus, M. J., & Estrin, D. (2014). Efficacy of daily self-monitoring of health behaviors and quality of life by mobile phone: mixed-methods results from two studies with diverse population. In annals of behavioral medicine vol .47, pp 263-263.
- * Vlasta Bahovec, Dajana Barbić, Irena Palić. (2015). Testing the effects of financial literacy on debt behavior of financial consumers using multivariate analysis methods. Croatian Operational Research Review, CRORR 6(2015), 361–371.

یادداشت‌ها

¹ Nector, Stoney & Strading

² Schagen and lines

³ Mandell

⁴ Huddleston, Casas, Danes & Boyce

⁵ Hilgert, Hogarth & Beverly

- ⁶ Chen & Volpe
- ⁷ Snyder
- ⁸ kaushal & Kwantes
- ⁹ Vite & et.al
- ¹⁰ Kapoor & et.al
- ¹¹ Kaushal & Kwantes
- ¹² Kjeldal
- ¹³ Swendeman & at al
- ¹⁴ Day & Kilduff
- ¹⁵ European Commission
- ¹⁶ OXERA
- ¹⁷ Haas
- ¹⁸ john
- ¹⁹ godfer
- ²⁰ Conger & elder
- ²¹ Swendeman et. al
- ²² Hanna & et.al
- ²³ Rooij &et.al
- ²⁴ Alessie & et al
- ²⁵ Sang-Hee Shon & et al
- ²⁶ Kim & Garman
- ²⁷ Pruzinsky & Mihalcova
- ²⁸ Vlasta et al
- ²⁹ Giulia
- ³⁰ Selda
- ³¹ Lusardi & et.al
- ³² Sabri & et. al
- ³³ Courchane
- ³⁴ Bird
- ³⁵ FazliSabri et al
- ³⁶ Hana et al
- ³⁷ Peng et al
- ³⁸ Kojo
- ³⁹ Chen & Volpe
- ⁴⁰ Clercq & venter
- ⁴¹ Abreu & Menders
- ⁴² Kindle
- ⁴³ Al-Tamimi & bin kalli
- ⁴⁴ Dvorak & Hanley
- ⁴⁵ Belinda&Mandigma
- ⁴⁶ JumpStart